

### نقد روایی جواز یا عدم جواز دست دادن مرد با زن نامحرم

سیدحسام الدین حسینی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۲

#### چکیده

مساله مصافحه (دست دادن) با نامحرم از مسائل مبتلا به فقهی در زمینه ارتباط زنان و مردان در جامعه اسلامی و غیر اسلامی است که مشهور فقهای شیعه آن را جایز ندانسته اند و در موارد ضرورت به شرط استفاده از حائل حکم به جواز آن داده اند. آقای کدیور در جهت رد این فتوای مشهور با استناد به فتاوی چند تن از مراجع معاصر به طور عموم، حکم به جواز داده اند که با توجه به اینکه فتاوی مراجع مذکور مشروط به شرایط بسیار حیاتی و ضروری است این برداشت ایشان نقض می شود. ضمن اینکه روایات استنادی ایشان هم روایت متعارض دارند و هم تفسیر پذیرند و لزوماً تفسیر ایشان را نمی پذیرند. نقد دیدگاه ایشان موجب روشن بینی در مباحث فقهی و زدودن پرده های ابهام از مسائلی از این دست خواهد شد.

واژگان کلیدی: دست دادن، زن نامحرم، جواز

مقدمه:

بحث جواز یا عدم جواز دست دادن مرد با زن نامحرم از مسائل مبتلا به و جدیدی است که با توجه به حضور زنان در جامعه و بر عهده گرفتن مسولیت ها و مدیریت های مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در جوامع انسانی، و ضرورت مشارکت آنان با مردان در اداره کشور و برقراری روابط دیپلماتیک میان کشورهای مسلمان و غیر مسلمان، از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار شده است. بخصوص که در فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم بر جوامع غیر مسلمان دست دادن زن با مرد نه تنها حرام شمرده نمی شود بلکه احتراز از آن، نوعی بی احترامی هم به حساب می آید. محسن کدیور از روحانیون تجدیدگرای معاصر که پس از تحمل حدود یکسال حبس در جریان حوادث فتنه سال ۸۸ از ایران به خارج رفت، از جمله کسانی است که بر خلاف فتوای مشهور علمای بزرگ شیعه، با مستمسک قرار دادن فتوای برخی از مراجع عظام در طی مقاله ای، بسیار کوشیده است تا برای مساله دست دادن مرد با زن نامحرم وجهی شرعی پیدا کند و آیات و روایات و فتاوی که دیدگاه او را مردود می شمرد، به گونه ای توجیه نماید. این مقاله نقد و تحلیلی بر دیدگاه ایشان است و در جهت بیان لغزش ها و اشتباهات عدیده ای است که ایشان با تمسک به فتوای حضرات آیات بروجردی و منتظری (ره) در جهت اثبات نظر خویش بیان کرده اند.

نزدنامه قرآن و حدیث

دوره اول

شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۲۶

### ۱. بیان ادله جواز دست دادن مرد با زن نامحرم

آقای محسن کدیور در مقاله ای با عنوان «دست دادن زن و مرد» با ذکر ادله و شواهد زیر به جواز دست دادن زن با مرد نامحرم فتوا داده است:

۱-۱. نظر فقهی آقای بروجردی درباره ی دست دادن با زنان: سیدمحمدجواد علوی طباطبائی از علمای حوزه ی علمیه ی قم نوه ی آقای سیدحسین طباطبائی بروجردی بزرگترین مرجع تقلید شیعه در ۰۰۱ ساله ی اخیر و استاد اساتید نویسنده، به سه شاهد رای فقهی مرحوم آقای بروجردی بر جواز مصافحه با اجنبیه اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

**شاهد اول:** برخی به امام موسی صدر خرده می گرفتند که چرا در اروپا با خانم هائی که به سوی ایشان دست خود را دراز می کردند، دست می داد. آیت الله بروجردی هم بر این کار اشکال نمی گرفتند. آقای بروجردی می فرمود: «من تعجب می کنم که فقهای ما ادله ی [حرمت نظر] [نظر] [به اجنبیه] را حمل کردند به صورت ریبه، چرا در ادله ی لمس این انصراف را قائل نشدند؟» از این سخن روشن می شود که دیدگاه آیت الله بروجردی نه فقط به دلیل مساله هتک است، بلکه اساسا اشکال مبنائی در این خصوص دارد.<sup>۲</sup>

۱. گفتگوی نوه حضرت آیت الله العظمی بروجردی با پایگاه موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

۲. نقل قول شفاهی است.

**شاهد دوم:** یکی از محققان ایرانی که در مرکز اسلامی هامبورگ آلمان فعالیت می کرد، محمد محقق لاهیجی نماینده ی آقای بروجردی و مؤسس مرکز اسلامی هامبورگ بوده است). خدمت آیت الله العظمی بروجردی آمد و گفت: در آلمان زنان و مردان مختلفی که همه آنها مسلمان هم نیستند، به مرکز اسلامی ما می آیند و گاهی از اوقات برخی از این زنان دستشان را برای مصافحه به سوی ما دراز می کنند و ما نمی توانیم دست بدهیم. آن ها نمی فهمند که چرا ما دست نمی دهیم و این مساله موجب هتک آن ها می شود و ما که می خواهیم جاذبه ایجاد کنیم با این کار تنفر ایجاد می کنیم. آیت الله العظمی بروجردی گفتند: اگر شما احساس می کنید که دست ندادن شما باعث هتک حرمت زنان می شود، مانعی ندارد که دست بدهید. بعد فرمودند: حکم حرمت دست دادن با زن اجنبیه برای حفظ حرمت اشخاص، هر چند مسلمان نباشد، ساقط می شود!

**شاهد سوم:** شیخ محمد تقی قمی که در مصر فعالیت می کردند، خدمت آیت العظمی بروجردی آمدند و گفتند گاهی اوقات برخی از سفارتخانه ها مثل سفارت هلند به مناسبت روز ملی شان که همه سفرا و شخصیت های مختلف را دعوت می کنند، ما را هم به عنوان نماینده شما در مجلس تقریب دعوت می کنند. ما هم دسته گل می خریم و به سفارت می رویم. گاهی از اوقات سفیر می خواهد، مثلاً سفیر آمریکا و همسرش را که همراه اوست معرفی کند، آن ها هم دستشان را دراز می کنند که دست بدهند، ما چه کار کنیم؟ اگر دست ندهیم موجب هتک آن ها می شود. آیت الله العظمی بروجردی فرمودند: «اگر موجب هتک حرمت ایشان می شود، اشکال ندارد، دست بدهید»<sup>۲</sup>.

آقای کدیور با استناد به این نقل قول های شفاهی از آیه الله العظمی بروجردی (ره) ضمن اذعان به مکتوب نبودن فتوای ایشان، به شرح زیر سه نتیجه گیری را ارائه می نماید: «اگرچه این فتوای آقای بروجردی در زمان حیات ایشان مکتوب نشده، اما شواهد سه گانه نشان می دهد که فتوای ایشان در مورد مصافحه با اجنبیه (دست دادن با زن نامحرم) به شرح زیر است: اولاً: مصافحه با اجنبیه همانند نظر به وی در صورت عدم ربه مجاز است.

ثانیاً: حرمت مصافحه با اجنبیه برای حفظ حرمت اشخاص هر چند مسلمان نباشند ساقط می شود.

ثالثاً: اگر عدم مصافحه با اجنبیه باعث هتک حرمت وی می شود، دست دادن مجاز است.

## ۲-۱. فتوای جدید آقای منتظری (ره):

استفتای اول: استفتای شرعی در مورد مصافحه با غیر محارم، ۸۲ اردیبهشت ۱۳۳۱: «اولاً: از بسیاری از روایات باب نظر استفاده می شود که حرمت آنها به جهت احترام

۱. نقل قول شفاهی است.

۲. نقل قول شفاهی است.

شخص مورد نظر است و لذا اگر او نظر را مخالف احترام خود نمی داند و خود را نمی پوشاند نظر طبعاً جایز است، مگر اینکه موجب وقوع در حرام و فساد شود، و به خصوص زنان غیر مسلمان قائل به حرمت نظر نیستند، بلکه ترک آن را موجب بی احترامی به خود می شمارند و بعید نیست این ملاک در دست دادن نیز وجود داشته باشد. و روایات مصافحه با اجنبیه منحصر است به زنان مسلمان. آری اگر نظر یا دست دادن موجب فساد اخلاقی شود یا برای لذت باشد مطلقاً جایز نیست.

و ثانیاً: اگر نظر یا مصافحه در محیط و شرائطی ضرورت عرفی داشته باشد و ترک آنها موجب وهن گردد، با وجود ضرورت این قبیل محرمات مقدماتی، به مقدار ضرور حلال می شود؛ مگر اینکه فساد اخلاقی را در پی داشته باشد یا برای التذاذ باشد. البته اگر از روی لباس یا دستکش ممکن باشد احتیاط خوب است. (دیدگاهها/ ۲۷۵)

استفتای دوم: « که به استفتای اول ناظر است»: استفتای شرعی درباره مصافحه با زنان مسلمان غیر محارم، نهم آبان ۲۸۳۱: «اولاً: عدم مس و عدم نظر به اجنبیه برای حرمت و احترام اوست. اگر او این حرمت را برای خویش قائل نیست، بلکه عدم نظر و عدم مصافحه را بی احترامی به خود می داند، در این صورت با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن، مصافحه مانعی ندارد. (همان)

ثانیاً: نظر و مصافحه (در مورد زنانی که به حجاب معتقد نیستند) با عدم التذاذ و عدم قصد آن مانعی ندارد. ثالثاً: در تشخیص ضرورت عرفی در نظر یا مصافحه عرف محل، ملاک است.

### ۳-۱. فتوای آقای سیستانی

آقای سیستانی در پاسخ به یک استفتاء فرموده اند: «لایجوز، ولیعالم الموقف بلبس الکفوف مثلاً، و لو لم یتیسر له ذلک و وجد أن فی الامتناع من المصافحه حرجاً شدیداً لایتحمل عادةً جازت له عندئذ». ترجمه: «دست دادن با نامحرم جایز نیست و برای حل مشکل می توان با پوشاندن دست ها (مثلاً دستکش) با نامحرم دست داد و اگر امکانی برای استفاده از پوشش برای دست فراهم نیست و اگر از دست دادن با نامحرم امتناع شود انسان با مشکلات و شرایطی روبرو می شود که غیر قابل تحمل است، در این صورت دست دادن جایز است».

### ۲. نقد و بررسی روایی ادله جواز دست دادن مرد با زن نامحرم و اثبات غلبه فتوای مشهور

اولاً: هم نظر آقای بروجردی و هم سه شاهد ارائه شده در جهت تایید صحت این فتوا، همگی مستند به قول شفاهی است و به تصریح آقای کدیور، غیر مکتوب است. روشن است که نقل قول شفاهی در متون علمی اعتبار چندانی ندارد بخصوص اگر فتوایی تکلیف آور هم باشد.

ثانیاً: به شرط پذیرش اعتبار این فتوا نمی توان بر اساس آن به جواز دست دادن زن

۱. نقل قول شفاهی است

به مرد نامحرم حکم کرد و آن را به عنوان یک اصل رایج پذیرفت زیرا این فتوا به اعتراف نویسندگان خلاف فتوای مشهور است.

ثالثا: فتوای آقای بروجردی مربوط به زمانی بوده است که حکومت اسلامی در ایران تشکیل نیافته بود و به همین سبب نمی شد برای سایر کشورها سیاست و عرف دیپلماتیک جامعه شیعی و اسلامی را تعریف و عرضه کرد. بنا بر این با توجه به نقش شرایط زمان و مکان در تغییر حکم و فتوا، نمی توان به این فتوا عمل کرد.

رابعا: آقای کدیور با استناد به فتوای آقای بروجردی و همچنین فتوای آقای منتظری نتیجه می گیرند: «مصافحه با اجنبیه همانند نظر به وی در صورت عدم ریه مجاز است». اشکال این برداشت آقای کدیور از فتاوی مذکور در این است که علاوه بر خلاف مشهور بودن، یک جواز بسیار محدود و استثنائی را که معلوم نیست در مورد چند درصد از افراد ممکن است اتفاق بیفتد را حکم عام داده و برای عموم مردم جایز دانسته است. در حالیکه به تصریح آقای منتظری: «اگر نظر یا دست دادن موجب فساد اخلاقی شود یا برای لذت باشد مطلقا جایز نیست». نکته مهم اینجا است که چگونه می توان محاسبه کرد که مثلا اگر در نگاه کردن ریه و تلذذی وجود نداشت، در دست دادن هم وجود نداشته باشد؟ ضمن اینکه نگاه کردن امری یک طرفه است اما دست دادن دو طرفه است و در دست دادن رابطه ای صمیمانه تر برقرار می شود و چه بسا در اثر دست دادن نگاه از روی تلذذ و ریه شود. سوال این است چه مکانیزمی را می توان در دست دادن طراحی کرد که منجر به معصیت نشود؟ حضرات معصومین علیهم السلام پاسخ داده اند دست دادن اگر با حائل باشد جایز است (که این نظر خلاف نظر آقای کدیور را اثبات می کند). در مساله نگاه کردن می توان با مشاهده کلیت موضوع مورد مشاهده، با غمض عین از گناه پرهیز کرد. اما در دست دادن چنین چیزی نیست. ضمن اینکه در نگاه کردن از روی ریه یک گناه اتفاق می افتد اما در دست دادن از روی ریه، دو گناه اتفاق می افتد هم نگاه کردن و هم لمس کردن نامحرم. نتیجه آنکه فتوای آقای بروجردی و آقای منتظری و آقای سیستانی در جواز دست دادن شامل موارد بسیار استثنائی می شود که اگر بخواهیم با مثالی فقهی آن را بیان کنیم، مانند جواز اکل میتة است به سبب احتمال مرگ در اثر شدت گرسنگی.

خامسا: آقای کدیور با استناد به فتوای آقای بروجردی نتیجه می گیرند که: «ثانیا حرمت مصافحه با اجنبیه برای حفظ حرمت اشخاص هر چند مسلمان نباشند ساقط می شود. ثالثا: اگر عدم مصافحه با اجنبیه باعث هتک حرمت وی می شود، دست دادن مجاز است.» و از قسمت دوم فتوای آقای منتظری که فرموده اند: «اگر نظر یا مصافحه در محیط و شرائطی ضرورت عرفی داشته باشد و ترک آنها موجب وهن گردد، با وجود ضرورت این قبیل محرمات مقدماتی، به مقدار ضرور حلال می شود؛ مگر اینکه فساد اخلاقی را در پی

داشته باشد یا برای التذاذ باشد. البته اگر از روی لباس یا دستکش ممکن باشد احتیاط خوب است.» و همچنین با استناد به فتوای آقای منتظری که فرموده اند: «اولا: عدم مس و عدم نظر به اجنبیه برای حرمت و احترام اوست. اگر او این حرمت را برای خویش قائل نیست، بلکه عدم نظر و عدم مصافحه را بی احترامی به خود می داند، در این صورت با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن، مصافحه مانعی ندارد». از این فتاوی جواز دست دادن با نامحرم را برداشت کرده اند.

با توجه به موارد فوق که ملاک صدور جواز دست دادن با نامحرم را لزوم رعایت احترام افراد و جلوگیری از هتک حرمت افراد و پرهیز از وهن افراد دانسته است. باید گفت اولاً: این فتاوی مشروط به عدم ریبه و تلذذ است. یعنی اگر تلذذ حاصل شود دست دادن به حرمت خویش باقی است اگر چه موجب بی احترامی به طرف مقابل شود و از طرفی نمی توان ملاکی برای تلذذ یا عدم تلذذ در این امر تعیین کرد. زیرا اساساً تلذذ یک امر شخصی است و تابع شرایط است و در لحظه اتفاق می افتد. بنا بر این همانطور که قبلاً گفته شد اینگونه فتاوی شامل موارد استثنائی و مانند جواز اکل میتة است. ثالثاً: همچنان که در فتاوی ذکر شده مشاهده می شود جواز دست دادن با نامحرم به سبب رعایت احترام و پرهیز از توهین به افراد است در فرهنگ های مختلف است. نکته مهم اینجا است که فتاوی مذکور تابع تفاوت فرهنگ ها است و این امر بیانگر آن است که اساساً دست دادن یک امر فرهنگی است نه یک تکلیف شرعی (دقت کنید) بنا بر این موضوع بحث یک مقوله فرهنگی است و تابع روابط فرهنگی ملت ها است. سوال مهم اینجا مطرح می شود که اگر فعل دست دادن با نامحرم، از سوی یکی احترام و از سوی دیگری بی احترامی محسوب شود چه باید کرد؟ آیا باید جهت رعایت احترام به دیگری به خودمان بی احترامی کنیم و علاوه بر آن حرام الهی را حلال کنیم؟ یا اینکه باید راه حل میانه ای پیدا کرد؟ و مثلاً به طرف مقابل فهماند که فرهنگ و دین ما اقتضاء دارد که با نامحرم دست ندهیم. یا اینکه در صورت ضرورت راه حل میانه ای پیدا کرد؟ امامان معصوم علیهم السلام این راه حل میانه را ارائه کرده اند و آن در صورت ضرورت، دست دادن از روی جامه حائل است، که مطابق فتوای مشهور علمای شیعه از روایات معصومین علیهم السلام است. مثال: «ابوبصیر از امام صادق علیه السلام: "آیا مرد با زن نامحرم می تواند مصافحه کند؟ فرمود: نه، مگر اینکه جامه ای حائل باشد. (کافی / ۵۲۵/۵) و (وسایل الشیعه / ۰۲ / ۸۱۲).

سادسا: در رابطه با روابط دیپلماتیک با کشورهای غیر مسلمان نیز در موارد بسیار اندکی ممکن است دست دادن با نامحرم ضرورتی حیاتی پیدا کند به گونه ای که اگر سیاستمدار مسلمان با غیر مسلمان دست ندهد موجب زیان بزرگی برای کشور اسلامی بشود و روابط دو کشور به تیرگی منجر شود!!! و این نکته ممکن است در طول روابط دیپلماتیک کشورها یا

اصلاً اتفاق نیفتد و یا اینکه در اولین بار اتفاق بیفتد و در ملاقات‌های بعدی دلیل دست ندادن با نامحرم برای طرف مقابل روشن شود، چنانکه هم‌اکنون پس از ۸۳ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گذشته است، مردان و زنان دولت جمهوری اسلامی با نامحرم دست نمی‌دهند و این ارتباط به این سبب دچار بحران نشده است.

سابعا: با توجه به اینکه ملاک صدور فتوای جواز دست دادن با نامحرم، ضرورت عرفی و پرهیز از موجبات وهن افراد است. این سوال پیش می‌آید که وظیفه فرد مسلمان در برابر سایر آداب و سنت‌های غیر مسلمانان از قبیل برپایی مجالس رقص و بی‌حجابی در انظار عمومی و نوشیدن مشروبات الکلی و... چیست؟ آیا شرط شرکت در اینگونه مراسم‌ها که عرف آن جوامع محسوب می‌شود هم به شرط تلذذ و مفسده حرام است؟ و اگر احتمال تلذذ در آنها نباشد شرکت در آن مجالس به دلیل ضرورت جایز می‌شود یا خیر؟ قطعاً خیر. می‌بینیم که اگر ملاک ضرورت عرفی و پرهیز از وهن افراد لایبالی مسلمان یا افراد غیر مسلمان را در ترک وظیفه شرعی معتبر بدانیم این حکم در سایر موارد هم سرپا خواهد داشت و در این صورت از اسلام و مسلمانی و فرهنگ اسلامی چه چیزی باقی خواهد ماند؟ و این امر صحت ادعای ما که اینگونه فتاوی‌ی مربوط به موارد بسیار استثنائی می‌شود را اثبات می‌کند.

ثامنا: فتوای مشهور علمای شیعه که بر خلاف نظر آقای کدیور است، مستند به روایات متعددی است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - مشهور علمای امامیه دست دادن مرد با زن نامحرم را مجاز نمی‌شمارند. "مصافحه اجنبیه جایز نیست مگر اینکه جامه ای (مانند دستکش) حائل باشد. (عروه الوثقی / مسأله ۴۰۴) مستند فتوای مشهور در عدم جواز مصافحه اجنبیه روایات ذیل است:

الف - صحیحه یا مصححه ابوصیر از امام صادق علیه السلام: "آیا مرد با زن نامحرم می‌تواند مصافحه کند؟ فرمود: نه، مگر اینکه جامه ای حائل باشد. (کافی / ۵/ ۵۲۵)، (وسایل الشیعه / ۰۲ / ۸۱۱)

ب - موثقه سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام: از ایشان درباره مصافحه مرد با زن پرسیدم. فرمود: "مصافحه مرد با زن حلال نیست مگر زنی که ازدواج با وی حرام باشد همانند خواهر، دختر، عمه، خاله و دختر خواهر، اما زنی که ازدواج با وی حلال است، با او مصافحه نکند مگر اینکه جامه ای حائل باشد و دست زن را (نیز) نفشارد. (کافی / ۵/ ۵۲۵)، (وسایل الشیعه / ۰۲ / ۸۱۱)

ج - صحیحه یا موثقه ابان از امام صادق علیه السلام: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد مردان با وی بیعت کردند، سپس زنان اجتماع کردند تا آنان نیز بیعت کنند؛ ام حکیم عرض کرد: یا رسول الله، چگونه با شما بیعت کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "من با زنان مصافحه نمی‌کنم. سپس ظرفی از آب طلبید، دستش را درون ظرف

کرد و در آورد، سپس فرمود: دستانتان را در این آب فرو کنید، همین بیعت است. (کافی/ ۵/ ۷۲۵)، (وسایل الشیعه/ ۰۲/ ۹۱۱)

روایات زیر نیز به عنوان موید قول مشهور قابل ذکر است :

اول : خبر سعدان بن مسلم از امام صادق (ع) : ”دست طاهر پیامبر(ص) پاکیزه تر از آن بود که دست زن نامحرم را مس کند.“ (کافی/ ۵/ ۶۲۵)، (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۹۱۱)

نحوه بیعت پیامبر(ص) با زنان در روایت زیر نیز تشریح شده است (کافی/ ۵/ ۶۲۵) و (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۸۱۱).

دوم : خبر حسین بن زید در خبر مناهی از امام باقر(ص) از پیامبر(ص) : ”کسی که با زن نامحرم مصافحه کند به سخط خدای عزوجل دچار شده است (من لایحضره الفقیه / ۴/ ۴۱)، (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۶۹۱).

سوم : خبر جابر بن یزید جعفی از امام باقر(ع): ”بر زن جایز نیست مصافحه با نامحرم مگر اینکه جامه ای حائل باشد، و بیعت نکند مگر از ورای جامه اش (خصال/ ۵۸۵)، (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۹۰۲)

چهارم : خبر عقاب الاعمال از پیامبر(ص): ”کسی که با زنی به حرام مصافحه کند، روز قیامت با دستان بسته آورده می شود سپس به جهنم انداخته می شود (عقاب الاعمال/ ۴۳۲)، (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۸۹۱).

پنجم: نظر به زنان اهل ذمه بلکه مطلق کفار بدون تلذذ و ریبه یعنی خوف وقوع در حرام جایز است ” (عروه الوثقی ، مسأله ۷۲) مستند این فتوا موثقه سکونی از امام صادق (ص) است: ”پیامبر اکرم (ص) فرمودند : اینکه به مو و دستان زنان اهل ذمه نگاه شود حرام نیست.“ (کافی/ ۵/ ۴۲۵) و (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۵۰۲) در قرب الاسناد از امام علی (ع) نقل می کند: ”نگاه به سر زنان اهل ذمه اشکالی ندارد“ (قرب الاسناد / ۲۶) و (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۶۰۲)

ششم: زنان مسلمان کم عنایت به ضوابط شرعی ، عباد بن صهیب از امام صادق (ع) روایت می کند: «در نظر به سر زنان اهل تهامه ، اعراب ، بادیه نشینان و علوج اشکالی نیست ، زیرا زمانی که نهیشان می کنند قبول نهی نمی کنند». (کافی/ ۵/ ۴۲۵) و (وسایل الشیعه / ۰۲/ ۶۰۲) و (من لایحضره الفقیه/ ۳/ ۰۰۳) و (علل الشرایع / ۱/ ۵۶۵)

آقای کدیور با ذکر روایات فوق ضمن اذعان به مطلق بودن روایات حرمت دست دادن با نامحرم، مطلق بودن فتوای مستند به این روایات را امری طبیعی می داند و با توجه به اینکه روایات حرمت مصافحه با اجنبیه مطلق است طبیعی است که فتوای مستند بر آن نیز مطلق باشد و هیچ مصافحه حلالی را با اجنبیه به رسمیت نشناخته باشد. علاوه بر فتوای سید یزدی ، فتاوی علمای زیر به عنوان نمونه قابل ذکر است : شیخ محمد حسن نجفی



(جواهرالکلام/ ۹۲ / ۰۰۱) ، آیت الله سید محسن حکیم (مستمسک العروه الوثقی/ ۹۴/۴۱) ، آیت الله سیدابوالقاسم خویی (مبانی العروه الوثقی / ۱ / ۴۰۱) و امام خمینی. (تحریرالوسیله/ ۳۴۲/۲) . اما در ادامه آن این نتیجه گیری را ارائه می دهند: «فتوای جدید جواز مصافحه با زنان غیرمسلمان، زنان مسلمانی که خود را نمی پوشانند و عدم مصافحه را بی احترامی به خود می دانند، و در محیط و شرائطی که مصافحه ضرورت عرفی داشته ، و ترک آن موجب وهن اسلام گردد مبتنی بر مستندات متین از کتاب و سنت و عقل است و رافع بسیاری از مشکلات مسلمانان و شیعیان در جوامع غیراسلامی می باشد و هم چنانکه فتوای مشهور برای مفتیان و مقلدانشان حجت شرعی است ، فتوای جدید برای مفتی و مقلدانش حجت شرعی و عمل به حجت شرعی مجزی و مصاب است».

همچنان که از متن این نتیجه گیری پیدا است فتوای جواز دست دادن با نامحرم، مربوط به موارد بسیار خاص و استثنائی مانند رفع بسیاری از مشکلات مسلمانان و شیعیان در جوامع غیر اسلامی است نه در شرایط کنونی که یک کشور اسلامی با نظام مستقل و قدرتمند اسلامی در ایران شکل گرفته است و می تواند برای عرف بین المللی فرهنگ اسلامی را مطرح کند و جا بیندازد. اشکال دیدگاه آقای کدیور این است که روایات را به گونه ای تفسیر می کند که انگار مرد مسلمان هیچ راهی برای پرهیز از دست دادن با نامحرمی که دست ندادن را بی احترامی می شمرد وجود ندارد. در حالی که اساسا دست دادن به زن نامحرم یک واجب یا مستحب شرعی نیست و حتی یک امر ضروری شرعی هم نیست و تابع فرهنگ ملت ها و اقوام است. بنا بر این ممکن است در فرهنگ قومی دست دادن به نامحرم احترام شمرده شود و در فرهنگ قومی دیگر بی احترامی محسوب شود. سوال این است چرا باید یک مسلمان به فرهنگ نادرست قومی تن دهد و خود را تابع آنها کند؟ آیا این حکم اسلام است که چون کسی از رفتار ما ناراحت می شود احکام شرع و اینهمه آیات و روایات و فتاوی مشهور فقها را کنار بگذاریم و به توجیه روایات دست بزنیم؟ از طرفی خداوند در سوره مائده آیه ۶ یکی از مبطلات وضو را مجامعت با زن دانسته است اما برای رعایت احترام از کلمه «لامستم» استفاده کرده است: ... أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ... در مورد علت استفاده از این کلمه علامه طباطبائی فرموده است: و این جمله تعبیری است کنایه‌ای که منظور از آن عمل جماع است، و به منظور رعایت ادب، جماع را لمس زنان خوانده، تا به زبان تصریح بنام عملی که طبع بشر از تصریح بنام آن عمل امتناع دارد نکرده باشد... و به شنونده بفهماند مساله تماس با زنان و عمل جنسی عملی است که به بیانی که گذشت طبیعت بشر اقتضای آن را دارد. نکته مهم در این آیه شریفه این است که استفاده از تعبیر لمس زنان مقدمه ای است برای ارتباط جنسی و لو بدون تلذذ باشد.

مستند دیگر ایشان فتوای آقای سیستانی است که مربوط به موارد بسیار استثنائی است.

از متن فتوا فهمیده می شود که این فتوا مشروط به این است که دست ندادن با آن زن موجب فراهم آمدن زیان قابل توجهی برای منافع کشور اسلامی باشد. حال این شرط چند بار ممکن است محقق شود معلوم نیست. و شاید بتوان جواز آن را مانند جواز اکل میتة تفسیر کرد. نکته آخر اینکه مراجع معظم تقلید معمولاً در فتاوی خویش تمام وجوه ممکنه را بیان می کنند تا مکلفین از سردرگمی خارج شوند اما تحقق این وجوه در مواردی ممکن است بسیار بعید باشد لذا نمی توان به صرف فتاوی مراجع معظم تقلید به دنبال روزه ای برای حلال شمردن یک حرام شرعی باشیم.

### ۳. نتیجه گیری

فلسفه دست ندادن به زن اجنبیه حرمت نهادن به آن زن و پرهیز از ورود به حریم خصوصی او است اینکه ما نمی توانیم چنین سنت شایسته ای را که نوعی احترام به زنان است در دنیا جا بیندازیم آیا می تواند مجوز عمل به یک حرام شرعی شود؟ فقط به این دلیل که آن زن بی مبالات است و برایش اهمیتی ندارد؟ اساساً مگر شما می توانید پیش بینی کنید که اگر با زنی دست دادید التذاذ و تحریک صورت می پذیرد یا نه؟ و آیا تضمینی وجود دارد که تکرار این کار مفسده در بر نداشته باشد؟ مشکل این فتوا مساوی دانستن نظر بدون ریبه و دست دادن به نامحرم است کدام عاقلی نگاه کردن به نامحرم و دست دادن را یکی می داند؟ در نگاه کردن فقط یک طرف تحت تاثیر قرار می گیرد اما در دست دادن هم زن و هم مرد تاثیر می پذیرند و رابطه بسیار صمیمانه تر از مجرد نگاه کردن است. آقای کدیور در قسمت تحلیل فتوای مشهور، به روایاتی استناد می کنند که همگی جواز دست دادن به نامحرم را در صورت ضرورت و به شرط داشتن جامه حائل جایز می دانند. روشن است که این احادیث و فتاوی مستند به آنها، مشروط به عدم مفسده دست دادن به نامحرم با جامه حائل است، لذا وقتی چنین شرطی در دست دادن با جامه حائل وجود دارد قطعاً ما را به پرهیز از دست دادن به نامحرم بدون جامه حائل رهنمون می کند، حتی اگر برای آن زن مهم نباشد. نکته دیگر اینکه ایشان در این فتوا هیچ روایت صریحی که دست دادن با زن نامحرم را بدون جامه حائل جایز شمرده باشد ارائه نمی کنند و تنها مستند ایشان فتوای آقای منتظری است که آن هم، اولاً با شرط عدم تلذذ است، که امری قابل پیش بینی و قابل پیش گیری نیست و ثانیاً آقای منتظری در فتوای خویش فرموده اند: «...به خصوص زنان غیر مسلمان قائل به حرمت نظر نیستند، بلکه ترک آن را موجب بی احترامی به خود می شمارند و بعید نیست این ملاک در دست دادن نیز وجود داشته باشد». اشکال این فتوا این است که احترام را یک طرفه تعریف و تفسیر نموده است احترام گذاشتن امری دو طرفه است حال سوال این است که اگر فعلی از سوی یکی احترام و از سوی دیگری بی احترامی محسوب شود چه باید کرد

■ سیدحسام‌الدین حسینی

؟ آیا باید جهت رعایت احترام به دیگری به خودمان بی احترامی کنیم؟ یا اینکه باید راه حل میانه ای پیدا کرد؟ امامان معصوم علیهم السلام این راه حل میانه را ارائه کرده اند و آن در صورت ضرورت دست دادن از روی جامه حائل است. لذا متنی از معصومین در رابطه با جواز دست دادن با نامحرم بدون حائل حداقل در متن نوشته های آقای کدیور وجود ندارد.

# خردنامه قرآن و حدیث

## دوفصلنامه علمی - تخصصی

### منابع و مأخذ

- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه. جلد ۲۰، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ۱۴۱۴م
- حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، جلد ۱۴، قم، دارالتفسیر. بی تا.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد. قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ۱۴۱۳
- خمینی، روح الله. تحریر الوسیله، جلد ۲، قم، دارالعلم. ۱۳۷۹
- خوئی، سید محمد تقی. مبانی العروه الوثقی، جلد ۱، قم، لطفی. بی تا.
- شیخ صدوق، محمد ابن بابویه، ترجمه من لایحضره الفقیه. ترجمه صدر بلاغی - غفاری، جلد ۴، قم، تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع). بی تا.
- ..... ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: محمد رضا انصاری محلاتی. قم، نسیم. ۱۳۸۲
- ..... خصال. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۳
- ..... علل الشرایع. نجف الاشرف، المكتبة الحیدریه. ۱۳۸۶
- علوی طباطبائی، سید محمد جواد، گفتگوی نوه حضرت آیت الله العظمی بروجردی، دوماه نامه ی اجتماعی فرهنگی صفیر حیات، شماره ۳، مرداد و شهریور، ۱۳۹۴
- کلینی، محمد. الکافی، جلد ۵. تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۸
- منتظری، حسینعلی. دیدگاهها. قم، انتشارات دفتر حضرت آیه الله العظمی منتظری. ۱۳۸۱
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام، جلد ۲۹. تهران، دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۵
- یزدی، سید محمد کاظم. العروه الوثقی. قم، مکتبه الداوری. بی تا.